

کارکردهای تربیتی و اخلاقی رنج در الاهیات یهودی

مهراب صادق‌نیا*

محمدباقر نائیجی**

چکیده

رنج‌ها و دردها که زندگی انسان را فرا گرفته‌اند، همواره ذهن تاریخی بشر را نیز با پرسش‌ها و تردیدهایی مواجه کرده‌اند. از این‌رو اگر بتوان ثابت کرد که درد و رنج با همه سختی‌هایش، مفید، آموزنده و دارای کارکرد است، سنگی بزرگ از سر راه دغدغه مهم بشریت برداشته می‌شود. پیدا کردن راه‌حلی برای قانع کردن ذهن آشفته و پاسخ به چرایی این رنج‌ها، ال‌هیدانان و متکلمان ادیان ال‌هی، همچون یهودیت، را در طول تاریخ به تکاپو انداخته است. در این پژوهش، با بررسی کتاب مقدس عبری و دیگر منابع یهودی، کارکردهای تربیتی و اخلاقی رنج در یهودیت را می‌کاویم و برمی‌شماریم. با دستیابی به این کارکردها می‌کوشیم این حقیقت را تبیین کنیم که رنج‌ها در زندگی انسان کارآیی دارند، مفید هستند و پرورش روحی و تکامل اخلاقی انسان را به همراه می‌آورند.

کلیدواژه‌ها: رنج، درد، کارکرد تربیتی، اخلاق، یهودیت.

* استادیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب sadeghniam@yahoo.com
** دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

mbnaeiji@gmail.com

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴]

مقدمه

برگشتم و زیر آفتاب دیدم که مسابقت برای تیزروان و جنگ برای شجاعان و نان نیز برای حکیمان و دولت برای فهیمان و نعمت برای عالمان نیست؛ زیرا که برای جمیع ایشان وقتی و اتفاقی واقع می‌شود. چون که انسان وقت خود را نمی‌داند، پس مثل ماهیانی که در تور سخت گرفتار و گنجشکانی که در دام گرفته می‌شوند، همچنان بنی آدم به وقت نامساعد، هر گاه آن بر ایشان ناگهان بیفتد، گرفتار می‌گردند (جامعه، ۹: ۱۱ و ۱۲).

صحنه عالم محل کشمکش انسان با مصیبت‌ها و بلاها است. بلاها و مصیبت‌هایی که انسان بی‌یاور را در این دنیا رنجور و نالان می‌کند و به‌سادگی مسیر زندگی را تغییر می‌دهد. همان‌طور که آیات فوق، از کتاب مقدس عبری، نشان می‌دهد رنج حقیقتی است که همه انسان‌ها در صحنه گیتی کم و بیش با آن مواجه می‌شوند و راه‌گزینی از آن ندارند. اما پرسش اساسی و مهم در میان این رنج‌های بشری آن است که آیا با توجه به آموزه‌های الهیاتی یهودیت «رنج ارزش و فایده‌ای هم دارد؟»، «می‌توان برای رنج کارکردهایی تربیتی و اخلاقی یافت؟» و «آیا رنج و درد در زندگی بشری، کمکی به رشد و اعتلای اخلاقی انسان می‌کند؟» تا از این طریق، انسان مؤمن با نگاهی مثبت‌انگارانه به شرور پیرامونی خود بنگرد و آنها را برای پیشبرد زندگانی دنیوی و اخروی خود به کار گیرد.

رنج را می‌توان عبث یا مقدس دانست. رنج عبث، رنجی است که هیچ فایده و ثمری ندارد، برخلاف رنج مقدس که رنجی باارزش و با کارکردهای متعدد است. اگرچه ممکن است برخی یهودیان یا مسلمانان رنج را بی‌ثمر در نظر بگیرند؛ اما هم در یهودیت و هم در اسلام، درد و رنج‌هایی که بشریت را فرا گرفته، ارزش و اعتبار دارند، که اگر این‌گونه نباشد کشتی ایمان در برخورد با تخته سنگ «رنج بی‌معنا» شکسته می‌شود (کیل‌پاتریک، ۱۳۹۰: ۴۰).

یهودیت رنج را در مجموعه‌ای تصادفی نمی‌بیند؛ بلکه آن را دشواری‌هایی هدایت‌شده از طرف خدا می‌داند که برای بهره‌مندی ما فرستاده شده‌اند (NLE, 2014: 1). درد و رنجی که به‌ظاهر بی‌معنا به نظر می‌رسد، بخشی از نقشه خداوند برای بشریت است. اگرچه این نقشه برای ما توجیه‌ناپذیر باشد، تا حد ممکن باید برای درک آن

بکشیم. اهمیت این پژوهش هم از آن حیث است که ما با دست‌یابی به کارکردهای تربیتی و اخلاقی رنج به این سمت رهنمون می‌شویم که شرور و رنج‌ها، انسان‌ساز هستند. اگر رنج‌ها کاربرد و کارایی داشته باشند دیگر جایی برای این پرسش نمی‌ماند که «چرا خدا شرور را آفرید؟».

۱. اقسام شرور

پیش از آغاز بحث اصلی، لازم است اقسام رنج را بشناسیم. طبق یکی از تقسیم‌بندی‌ها اقسام رنج چنین است:

الف. رنج طبیعی

به رنج‌های حاصل از اتفاقاتی مانند سیل، زلزله، قحطی و بیماری رنج طبیعی (natural suffering) می‌گویند که فاعل و عاملش انسان نیست. البته بهتر آن است که از نقش انسان در این حوادث نیز غافل نباشیم. چون بسیاری از این حوادث، نتیجه افعال انسانی است. مثل سیل که از تخریب محیط زیست پدید می‌آید و خسارت وارد می‌کند یا قحطی و بیماری و جنین ناقص که غالباً از تغییر سبک زندگی انسان‌ها و استفاده از مواد زیان‌آور ناشی می‌شوند.

یهودیت مصیبت‌هایی را که به شکل شرور طبیعی بر انسان وارد می‌شوند ناشی از گناهان و نافرمانی‌های انسان می‌داند. یعنی شرور طبیعی کیفر گناهان انسان‌ها هستند.

ب. رنج اخلاقی

رنج اخلاقی (moral suffering) رنجی است که از عملکرد آگاهانه انسان‌ها حاصل می‌شود و با قصد و نیت رخ می‌دهد. به هنگام جنگ، قتل عمد، تجاوز به عنف، شکنجه، سرقت و ... انسان‌ها از چارچوب اخلاق و وجدان درونی خارج شده، مرتکب شرور اخلاقی می‌شوند. بخش عمده‌ای از رنج‌های این‌دنیایی نتیجه بی‌اخلاقی‌های خود انسان است. زیر پا گذاشتن اخلاق، عواقب فراوانی برای جوامع بشری در طول تاریخ به دنبال داشته است؛ چنان‌که بی‌اخلاقی و فساد یک نفر، میلیون‌ها نفر را به کام مرگ می‌کشاند.

ج. رنج متافیزیکی یا فراطبیعی

نقص انسان و شناخت نادرست هستی را رنج متافیزیکی (metaphysical suffering) نامیده‌اند که همه موجودات جز خداوند را در بر می‌گیرد. خداوند، تنها موجودی است که ممکن‌الوجود نیست، غیر از او همه موجودات ممکن هستند و ممکن‌الوجود یعنی محدود‌الوجود و محدود‌الوجود یعنی ناقص‌الوجود و ناقص‌الوجود یعنی شریرالوجود.

د. رنج عاطفی یا احساسی

رنج عاطفی (emotional suffering) درد و رنجی است که قلب انسان را می‌آزارد. این نوع از شر جنبه درونی دارد و نوعی احساس باطنی است که انسان را ناراحت می‌کند، مثل اینکه انسانی با دیدن مرگ دیگری یا کودک یتیم یا فقر هم‌نوعش دچار اندوه و غم شود. این شرور چیزی نیستند جز احساس درد.

با وجود آنکه درد، رنج و شر تفاوت‌های ظریفی با یکدیگر دارند ولی در این پژوهش به یک معنا در نظر گرفته شده‌اند. شاید درد را به امری برونی و رنج را به امری درونی تعریف کنند یا درد و رنج را نتیجه شرور معرفی کنند، اما در این پژوهش از چیزهایی سخن می‌گوییم که انسان را می‌آزارد و بر زندگی بشریت تأثیر می‌گذارند. بنابراین، سخن ما شامل همه اقسام شرور می‌شود. اصل سخن بر سر این است که انسان‌ها به صورت فردی یا گروهی در زندگی‌شان با مصیبت‌هایی مواجه می‌شوند. این مصیبت‌ها ممکن است نتیجه پدیده‌های طبیعی باشند یا از رفتار غیراخلاقی انسان‌های دیگر ناشی شوند، یا حاصل نقص انسانی یا رنج احساسی باشند. به هر حال، همه انسان‌ها کم یا زیاد با چنین صحنه‌هایی در زندگی خود مواجه‌اند و در اثر آنها رنج می‌کشند. آیا انسان می‌تواند از این مواجهه، به نفع زندگانی خود استفاده کند؟

۲. کارکردهای تربیتی رنج در الاهیات یهودی

تاریخ یهودیت با درد و رنج عجین شده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان از تاریخ این قوم گفت، اما از رنج‌ها چیزی نگفت. زندگی تحت فشار و زیر شکنجه در مصر، خروج از مصر و سرگردانی، جنگ‌های داخلی، تخریب معبد سلیمان، آوارگی و کشتار، اسارت بابلی، دوری از وطن، گتوها و آزارهای فردی و اجتماعی و هولوکاست

گوشه‌هایی از رنج و درد تاریخی یهودیان است. اهمیت تاریخی درد و رنج در یهودیت موجب شده است بحث‌های فراوانی درباره آن و هویت و چیستی‌اش مطرح شود. رد پای رنج، علاوه بر تاریخ یهودیت، در فلسفه و عرفان و الاهیات یهودی نیز در مباحث «شور» مطرح می‌شود. زمانی که موضوعی به این اندازه اهمیت پیدا می‌کند، نمی‌توان آن را بی‌ارزش و بی‌ثمر به حساب آورد و از کنار کارکردهایی که در زندگی انسان خواهد داشت، به‌راحتی گذشت.

۲. ۱. یاد خدا، توبه و ندبه در سایه رنج

کسی که در مصیبت و بلا گرفتار شده و به هر دلیلی رنجور می‌شود، خود را به خدا نزدیک‌تر حس می‌کند و این رنج و درد می‌تواند یاد و نام خدا را بیشتر در دل و ذهن او زنده کند؛ خواه این شخص به ظن خود بی‌گناه باشد یا گناهکار. زمانی که انسان در گرفتاری و رنج قرار می‌گیرد و یاریگری نمی‌یابد، حضور خدا را مشاهده می‌کند و اگر گناهکار باشد، گناهان خود را به یاد می‌آورد و مقدمات توبه و بازگشتش فراهم می‌شود. چنان‌که نوشته شده است: «خوشا به حال کسی که دائماً می‌ترسد؛ اما هر که دل خود را سخت سازد به بلا گرفتار خواهد شد» (امثال، ۲۸: ۱۴). رنج برای عمیق‌تر کردن رابطه انسان با خدا است و در آن وضعیت، انسان بینشش را در رابطه دوستانه با خدا بهبود می‌بخشد. در این مفهوم، رنج انسان‌ها با ایده یهودی خدای مهربان سازگار است (Fox, 2009: 5).

در گرفتاری و رنج است که انسان می‌گوید: «تو ملجأ من هستی، مرا از تنگی حفظ خواهی کرد. مرا به سروده‌های نجات احاطه خواهی نمود، سلاه» (مزامیر، ۳۲: ۷)؛ و خدا می‌فرماید: «هر که گناه خود را بپوشاند برخوردار نخواهد شد؛ اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت» (امثال، ۲۸: ۱۳)؛ و «خداوند را مادامی که یافت می‌شود، بطلبید و مادامی که نزدیک است او را بخوانید» (اشعیا، ۵۵: ۶) و در چنین لحظه‌ای انسان معمولاً به خدا نزدیک‌تر می‌شود و پناهگاه و نجات‌دهنده‌ای جز او نمی‌بیند و نمی‌یابد.

شخص رنج‌دیده، که ایمان به خدا دارد و همه چیز در عالم را مطابق مشیت او می‌داند، همواره، حتی در لحظات سختی و بلا، خدا را در نظر می‌گیرد و هر چه را از طرف او برسد حسن می‌خواند. به داستان «ربی اکیوا» توجه کنید:

ربی اکیوا یک بار از مکانی به مکان دیگر مسافرت کرد. وقتی که به شهر مورد نظر رسید، به دنبال یک مسافرخانه گشت تا در آن سکنا گیرند؛ اما پیدا نکرد. او اعلام کرد: «هر کاری که خدا انجام دهد خوب است». وی در فضای باز همراه با یک خروس، یک خر و یک فانوس به خواب رفت. باد وزید و فانوس را خاموش کرد، یک گربه آمد و خروس را خورد و یک شیر آمد و خر را خورد. با این حال او یک بار دیگر گفت: «هر کاری که خدا انجام دهد خوب است». آن شب یک گروه از راهزنان به شهر حمله کردند و ساکنان شهر را به اسارت بردند. ربی اکیوا به شاگردانش گفت: «آیا به شما نگفتم که همه کارهای خدا خوب است؟» [تفسیر: اگر شمع روشن بود یا خروس و خر زنده بودند، ربی اکیوا پیدا می‌شد و به اسارت برده می‌شد] (Talmud Bavli, Berachot: 60b).

حضور همه‌جانبه خدا و یادکردن او عنصر مهمی در زمینه رنج بشر است. مزامیر (۱۳۹: ۷-۱۰) وجود خدا را چنین ترسیم کرده است: «از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی. اگر بال‌های سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم، در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت».

در برخی منابع یهودی مانند *راه خدا (The way of God)*،^۱ به این نکته اشاره شده که رنج‌ها، وسیله‌ای برای دوستی و ابراز عشق خدا است. بلا، مصیبت و درد انسان را بیشتر متوجه خدا خواهد کرد و زمینه بازگشت به معشوق را فراهم می‌کند:

ما می‌دانیم که در حقیقت خواسته خدا فقط به سمت خوبی است و او مخلوقاتش را دوست دارد؛ همان‌طور که پدر به فرزندش عشق می‌ورزد. با وجود این، عشق خود را می‌تواند با رنجی توجیه کند که پدر برای فرزندش با هدف سود نهایی به وجود می‌آورد. چنان‌که نوشته شده است: «به طوری که پدر، پسر خود را تأدیب می‌نماید، یهوه خدایت تو را تأدیب کرده است» (تثنیه،

و «رنج می‌تواند به عنوان واسطه‌ای برای توبه و به‌سازی به کار آید» (NLE, 2014: 8). «ربی یوخنان گفت: در چه زمینه‌ای اسرائیل با زیتون قابل مقایسه است؟ زیتون فقط در صورتی روغن بیرون می‌دهد که فشرده شود بنابراین بیشتر ملت یهود نمی‌توانند بدون خدمت کردن با رنج به راه مناسب برگردند» (Talmud Bavli, Menachit: 53b). همچنین، داستان «الیزاربن دُردایا» (Eleazar ben durdaya) در تلمود نقل شده است؛ وی سال‌ها با هرزگی زندگی می‌کرد. زمانی که شیوه قبلی زندگی‌اش را کنار گذاشت، ابتدا عوامل بیرونی را مقصر گناهانش می‌دانست؛ اما در نهایت پذیرفت که خودش مقصر بوده است و اعتراف کرد که «این مسئله فقط به خود من مبتنی است». سپس ربی یهودا، رهبر معنوی آن نسل، اعلام کرد که «برخی برای به دست آوردن زندگی ابدی سال‌های زیادی را می‌گذرانند؛ اما برخی در یک ساعت به زندگی ابدی دست می‌یابند» (Apple, 1983: 127). رنج و دردها، انسان را به این حقیقت رهنمون می‌کنند که جز خدا کسی را ندارند و باید توبه کرد و به راه او بازگشت.

«ناحوم گیمزو» (Nahum of Gimzo) کسی بود که در تلمود، رنج را به وسیله‌ای برای تصحیح گناه تبدیل کرد. همان‌طور که «ربی سولوویخیک» (Rabbi Joseph Ber Soloveitchik) به ما آموخت که هلاخا توانایی تبدیل رنج به توبه را می‌دهد: «و او به واسطه این پاداش خوشحال خواهد شد و پاداش منتظر او است و او از طریق شادی خود، مقاومت کردن در برابر رنج و اعتقاد به عدالت الهی را تعلیم می‌دهد و از شهرت و شکوهی که از این راه به دست آورده، خوشحال خواهد بود» (Rosenberg, 2008: 48c, part 3).

این نظام پاداش و مجازات را هم خدا برای همین قرار داده است و در این میان رنج وسیله‌ای برای برقراری رابطه الاهیاتی اساسی با خدا است. زمانی که انسان‌ها، اعمال خوب انجام دهند و فرمان‌های الهی را اطاعت کنند، خدا به این مؤمنان پاداش می‌دهد. برعکس زمانی که انسان‌ها مرتکب اعمال بد شوند، خدا متخلفان را مجازات می‌کند. هم پاداش‌ها و هم مجازات‌ها از سوی خدا صادر شده‌اند تا به افراد دنیوی تعلیم دهند که چگونه با حیات مؤمنانه زندگی کنند و ارتباط نزدیک‌تر و صمیمی‌تری با خدا ایجاد کنند (Fox, 2009: 3).

رنج به عنوان مجازات، بشر را به یاد وظیفه‌اش در برابر خدا می‌اندازد. برای عمیق‌تر کردن درک انسان‌ها از وظیفه‌شان در قبال خدا، ممکن است خدا چیزهایی را که

در دید انسان مصیبت هستند، پدید آورد. به هر حال انسان باید کمک خدا را بطلبد تا بر مشکلاتی که خدا عرضه کرده، غلبه کند و با انجام دادن این کار، درک بهتری از ارتباطش با خدا بیابد و بفهمد چگونه نیکوکارانه زندگی کند (4: Ibid.). برای طلبیدن خدا، به دعا، ندبه، نوحه و استغاثه نیاز پیدا می‌شود. «یهوه صبايوت چنین می‌گوید: «تفکر کنید و زنان نوحه‌گر را بخوانید تا بیایند و...» و ایشان تعجیل نموده، برای ما ماتم برپا کنند تا چشمان ما اشک‌ها بریزند و مژگان ما آب‌ها جاری سازد» (ارمیا، ۹: ۱۰-۲۰).

زمانی که ما انسان‌ها به هر طریقی در تنگنا قرار می‌گیریم، برای فرار از آن نیاز به گریزگاه داریم، نیاز به یک پشتیبان داریم تا به او پناه ببریم و بر او تکیه کنیم. انسان‌ها چه مؤمن باشند و چه بی‌ایمان در لحظاتی از زندگی‌شان که هیچ راه فرار و گریزی نمی‌یابند از درون خود کسی را می‌خوانند و یاری می‌طلبند. آنها در لحظات رنج و سختی به دعا و نیایش و تضرع و زاری روی می‌آورند تا مشکلاتشان برطرف شود. داستان یونس نبی در کتاب مقدس این کارکرد تربیتی از رنج را به‌وضوح نشان می‌دهد. ملاحان در کشتی، یونس در شکم ماهی و مردم نینوا زمانی که وعده نابودی شهر تا چهل روز دیگر را شنیدند، برای رهایی به دعا و گریه و ندبه روی آوردند (یونس نبی، ۱ و ۲ و ۳).

۲.۲. درون‌نگری و خویش‌نمایی با رنج

انسانی که در مخمصه گرفتار می‌آید و راهی مقابل خویش نمی‌یابد بیش از دیگران در خود فرو می‌رود، احوال خویش را بررسی می‌کند، به راه‌هایی که پشت سر گذاشته می‌نگرد و چه‌بسا با این غور و تأمل و تفکر راه‌های جدیدی برای خود می‌گشاید. بنابراین، رنج، انسان را در موقعیتی قرار می‌دهد که در خود بنگرد و خویش‌نمایی خود را دریابد و مسیرهای مناسب‌تری برای زندگی برگزیند. در تلمود بابلی نیز بر این مسئله تأکید شده است که «رنج فرد را به خویش‌نمایی تشویق و ترغیب می‌کند»؛ و ذیل این عنوان اشاره می‌شود که: «راوا (Rava)^۲ و برخی گفته‌های راوچیسدا (Rav Chisda)^۳ بیان کرده‌اند اگر شخصی دید که در موقعیت رنج واقع شده، باید اعمالش را بررسی کند. همچنین گفته شده است: «اجازه بده به ما که راه‌هایمان را جست‌وجو کنیم و به درون خویش بنگریم و به خدا نزدیک شویم» (مراثی ارمیا، ۳: ۴۰)» (Talmud Bavli, Berachot: 5a).

البته در اینجا باید به نکته مهم دیگری نیز توجه کرد. گاهی با پدید آمدن درد و رنج، خود انسان رنج دیده به این نتیجه می رسد که باید مرحله درون نگری را طی کند و خویشتن خویش را باز یابد؛ اما گاهی به خودی خود متوجه علت رنجش نیست و نیاز به واسطه ای دارد که او را بیدار کند و به سوی درون نگری سوق دهد. «به جز خویشتن نگری، که معمولاً رنج برمی انگیزاند، گاه درون بینی ناشی از رنج، بدون عوامل بیرونی، همچون دوستان، همکاران، مربیان معنوی و ... ممکن نیست» (NLE, 2014: 10). نمونه هایی از این کمک بیرونی برای رسیدن به نگرش درونی را می توان در تلمود و کتاب عبری یافت:

راوهانا (Rav Hana)^۴ چهارصد بشکه شراب خوب داشت که به سرکه تبدیل شده بودند [یعنی با این اتفاق دچار زیان و سختی و رنج شد]. او یهودا و ربی ها پیش او آمدند ... و به او گفتند: «تو باید امور معنوی را بررسی کنی؟». او به آنها گفت: «آیا من در نگاه شما مشکوکم؟». آنها به او گفتند: «آیا خدایی که داوری را مقرر کرد بدون دلیل مورد سوءظن است؟ این چیزی است که ما شنیده ایم. تو حقوق کارگران را پرداخت نکرده ای». او به آنها گفت: «آیا آنها چیزی برای من باقی گذاشته اند؟ آنها همه چیز را از من دزدیده اند». [او از پرداخت نکردن حقوق کارگران دفاع می کرد با این ادعا که آنها بیشتر از دستمزدشان از او دزدیده اند]. آنها به او گفتند: «از این جهت گفته می شود دزدیدن از آنها و چشیدن مزه دزدی برای من» [چون ادعای او در دادگاه اثبات نشده بود، ملزم به پرداخت حقوق کارگران است]. او گفت: «من قبول می کنم به آنها از خودم پرداخت کنم» برخی گفته اند سرکه ها به شراب برگشته است و دیگران گفته اند قیمت سرکه بالا رفت و سرکه ها را به قیمت شراب فروخت (Talmud Bavli, Berachot: 5b).

اگر روهانا فقط به خود اتکا می کرد و اطرافیانش او را متوجه نمی کردند، هرگز متوجه گناهِش نمی شد و توبه نمی کرد و در صدد اصلاح آن بر نمی آمد. از این داستان تلمودی در تفسیر این آیه کتاب مقدس که «اجازه بده به ما راه های خود را جست و جو کنیم و در درون خویش بنگریم» (مراثی ارمیا، ۳: ۴۰) نیز استفاده شده است و

متفکران یهودی گفته‌اند معنای آیه این است که ابتدا خودمان تفحص کنیم و سپس به واسطه دیگران در خویش بنگریم. مانند راه‌انان که با شاگردانش همفکری کرد. از این طریق ما به خدا نزدیک خواهیم شد که با تکیه بر خود نمی‌توانیم (Talmud Bavli, Berachot: 5b).

در داستان یونس نبی در کتاب مقدس نیز کدو و کرمی واسطه و عاملی می‌شوند برای اینکه یونس به مرحله درون‌نگری برسد و به خویش رجوع کند:

و یهوه خدا کدویی رویانید و آن را بالای یونس نمود تا بر سر وی سایه افکنده، او را از حزنش آسایش دهد و یونس از کدو بی‌نهایت شادمان شد. اما در فردای آن روز در وقت طلوع فجر خدا کرمی پیدا کرد که کدو را زد و خشک کرد و چون آفتاب برآمد خدا باد شرقی گرم وزانید و آفتاب بر سر یونس تابید به حدی که بی‌تاب شده، برای خود مسئلت نمود که بمیرد و گفت: «مردن از زنده‌ماندن برای من بهتر است». خدا به یونس جواب داد: «آیا صواب است که به جهت کدو غضبناک شوی؟». او گفت: «صواب است که تا به مرگ غضبناک شوم». خداوند گفت: «دل تو برای کدو بسوخت که برای آن زحمت نکشیدی و آن را نمودادی که در یک شب به وجود آمد و در یک شب ضایع گردید و آیا دل من به جهت نینوا شهر بزرگ نسوزد که در آن بیشتر از صد و بیست هزار کسی می‌باشند که در میان راست و چپ تشخیص نتوانند داد و نیز بهایم بسیار؟» (یونس نبی، ۴: ۶-۱۱).

از این عبارات کتاب مقدس می‌توان به وضوح نتیجه گرفت که یونس تا آسایشش از بین نرفته بود و آفتاب آزارش نداده بود، توجهش جلب نشد و نادرستی سخنانش را متوجه نشد. رنجی که به واسطه کرم و کدو برای یونس پدید آمد، او را به مرحله درون‌نگری برد. پس این درد و سختی و بلا است که انسان‌ها را به سوی نگرش درونی سوق می‌دهد که البته گاهی خود شخص به این نگرش دست می‌یابد و گاهی عامل بیرونی دیگری مثل دوستان و شاگردان و ... او را متذکر می‌شوند.

نیروی درونی که در هر انسانی وجود دارد، با تعبیر مختلف شناخته می‌شود. خردگرایان این نیرو را «عقل»، اخلاق‌گرایان آن را «وجدان»، روان‌شناسان آن را «فراخود» و جامعه‌شناسان «قرارداد اجتماعی» نامیده‌اند. مارتین بوبر (Martin Buber)، فیلسوف یهودی، ترجیح داده است از واژه «وجدان» استفاده کند:

آگاهی انسان به آنچه هست و آنچه از گذرگاه این هستی منحصر به فرد می‌تواند باشد. فروماندن در آنچه هست زمانی روی می‌دهد که فرد برای آنچه می‌تواند باشد از خود بیرون نرود. و به مناسبت گفت‌وگوی من و تو وارد نشود. این ندا خواه خودآگاه استعلایی باشد و خواه ناخودآگاه اخلاقی — اجتماعی سکولار، به درجات در هر فرد انسانی وجود دارد اما همگان به آن گوش فرا نمی‌دهند (دقیقیان، ۱۳۸۹: ۳).

ندای درونی انسان گاهی در رنج دیگران تحریک می‌شود، ابراز همدردی می‌کند و با تفکر و تأمل به بازسازی اخلاقی و تربیتی انسان می‌انجامد. گاهی هم در رنج خود شخص این وجدان بیدار می‌شود و با مرور مسیری که منتهی به رنج شده است به قضاوت می‌پردازد و با بیداری و یادآوری، به شخص رنجور کمک می‌رساند. به هر حال، چه در رنج دیگران و چه در رنج خود، وجدان نقش مهم اخلاقی و تربیتی بازی می‌کند. چنان‌که «هانا آرنِت» (Hana Arendt) اندیشمند معاصر یهودی وجدان را در قالب «گفت‌وگوی درونی میان من و خویشتن» یا همان «دو تن در یک تن» تعریف می‌کند:

تفکر دو تن در یک تن در گفت‌وگوی ما است، اختلاف موجود در درون هویت ما را آن‌گونه‌ای که در آگاهی است به فعلیت می‌رساند و بدین ترتیب محصول فرعی‌اش را که وجدان است، به بار می‌آورد. پس داوری یعنی محصول تأثیر آزادی‌بخش تفکر، تفکر را محقق و آن را در جهان نموده‌ها و ظواهر آشکار و جلوه‌گر می‌سازد؛ یعنی در جایی که من هرگز تنها نیستم و همیشه گرفتارتر از آنم که بتوانم فکر کنم. متجلی‌شدن نسیم تفکر به هیچ‌روی شناخت و دانش نیست، بلکه توانایی تمییز درست از غلط و زشت از زیبا است و این در واقع می‌تواند جلوی فاجعه را دست‌کم برای خود من، در لحظات نادری که وضعیت دشوار و بغرنجی پیش می‌آید، بگیرد (بردشا، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

۲.۳. رنج، آزمون و تقویت شخصیت انسان

یکی از راهکارهایی که برای توجیه شرور و مصائب در این عالم در خور توجه است، آزمون و امتحان الهی است. اغلب الاهدانان در تبیین مسئله شر به این راهکار

استناد کرده‌اند که آنچه شر، رنج، درد، بلا و ... نامیده می‌شود آزمون‌هایی است که خداوند با آن انسان‌ها را می‌آزماید و میزان صحت ادعاهایشان در دوستی و محبت به خدا را می‌سنجد. با توجه به این راهکار، برخی دانشمندان و بندگان ادیان مختلف، رنج را موجب پالایش و حتی ساخت شخصیت انسان‌ها می‌دانند که در نتیجه آن را می‌توان کارکرد تربیتی مهمی برای رنج دانست.

رنج و سختی در نتیجه نوعی دشواری غلبه‌یافته بر ما پدید می‌آیند. دشواری‌هایی که بخشی از مشیت الاهی هستند و با آنها ما به سوی تحقق استعدادهایمان و شناخت شخصیت‌مان هدایت می‌شویم. با غالب شدن بر آزمون‌هایی که سر راه ما قرار می‌گیرند می‌توانیم استعدادهای پنهانی خود را کشف کنیم که در غیر این صورت ممکن است آشکار نشوند. پس از آنکه توانستیم در آزمون موفق شویم و استعدادها و شخصیت خود را بشناسیم، همچنین آماده خواهیم بود به دیگرانی که وضعیتی مشابه ما داشته‌اند کمک کنیم و با خدمت کردن، نمونه‌ای و سرمشقی برای دیگران شویم.

ابراهیم، نمونه‌ی کسانی بود که با آزمون‌های متعدد الاهی در رنج و سختی آزموده می‌شدند. در رساله *اخلاق پدران*^۵ تأکید شده که ابراهیم از عهده همه آزمون‌ها برآمد و شخصیتش شناخته شد: «پدر ما ابراهیم با ده آزمون رویارو شد و بر همه آنها غلبه کرد. این می‌آموزد که عشق پدر ما ابراهیم به خدا زیاد بود» (Wolbe, 1974: II \ 5:3). آزمون‌های ده‌گانه ابراهیم اینها بود: ۱. آزمون ابراهیم در آور کلدانیان، که نمرود او را به کوره آتش انداخت؛ ۲. اجبار به ترک خانه و کشور؛ ۳. قحطی؛ ۴. ازدواج سارا با فرعون؛ ۵. جنگ با چهار پادشاه؛ ۶. عهد میان بخش‌ها؛ ۷. ختنه؛ ۸. ازدواج سارا با ابی‌ملک؛ ۹. بیرون کردن هاجر و اسماعیل؛ ۱۰. قربانی کردن اسحاق (Ibid.).

درستی آزمون بر این اساس است که شخص کاملاً انتخاب آزاد داشته باشد؛ زیرا هر شخصی باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد عمل تعیین شده را انجام دهد یا نه. خدا اشخاص را می‌آزماید تا استعدادهایشان در عرصه عمل آشکار شود. همه آزمایش‌ها در تورات به نفع کسی است که با دشواری روبه‌رو شده است (Wolbe, 1974: II \ 22:1). برخی از این آزمون‌های الاهی همچون فقر هستند که به روشنی با سختی و تعصب همراه است. برخی دیگر همچون ثروت و زیبایی هستند که اگرچه در ظاهر مایه مباهات و آسایش‌اند، اما در واقع می‌توانند موجبات گمراهی، انحراف و در نهایت رنج را فراهم کنند. از این رو در تلمود بابلی آمده است که هیلل، ربان الیزر بن کارسوم و

یوسف به ترتیب در آزمون‌های فقر، ثروت و زیبایی سربلند شدند و با سرمشق شدن برای دیگران خدمت کردند (Talmud Bavli, Yoma: 35b).

به عقیده بسیاری از آدمیان، رنج، به رغم زیان‌آوری، سرچشمه معنای زندگی شخصی و دینی است و شخصیت و منش انسان را می‌سازد و می‌پرورد. فردی که با مرگ همسرش همه چیز را به‌آسانی از دست می‌دهد ممکن است به پرورش شجاعت، ثبات قدم و تواضع دست پیدا کند (دگرازا، ۱۳۸۶: ۸۷). این‌گونه است که فرد با گذراندن آزمون‌های رنج‌آور در زندگی، ویژگی‌های شخصیتی خود را شکل یا تغییر می‌دهد. برخی متفکران یهودی، رنج را با عنوان «عشق خدا» معرفی کرده‌اند؛ عشقی که زمینه‌ساز شکوفایی خصوصیات فردی انسان است. سام هریس (Sam Harris)، از نویسندگان و فیلسوفان معاصر یهودی، می‌گوید:

رنج در اساس، آزمون و دست‌مایه‌ای است برای قوی‌تر کردن شخصیت و جوهر وجودی افراد، مانند طلایی که در کوره آب‌دیده می‌شود. بنابراین، رنج، مجازات و کیفر نیست؛ بلکه رنج، عشق خدا است. از این دیدگاه، یک واقعیت عام دیگر وجود دارد و آن اینکه ما به‌خوبی به این مسئله واقفیم که بسیاری از خصوصیات قابل تحسین انسان، مانند شجاعت، همدلی، صبوری و عشق در صورتی مجال بروز و رشد می‌یابند که در شرایط راحتی نباشند؛ چراکه زندگی همیشه راحت و آسان نیست ... در بهشت نیازی به شجاعت نبود، چراکه ترسی وجود نداشت. نیازی به صبوری نبود، چراکه سختی برای تحمل کردن وجود نداشت و نیازی به همدلی با کسی نبود، چون چیزی برای تحمل کردن وجود نداشت. بنابراین، اگر ما این صفات قابل تحسین را می‌خواهیم باید بپذیریم که حضور آنها نه در بهشت که در زمین امکان‌پذیر است و زمین، بهشت عاری از رنج نیست. این زمین محلی برای رشد روحی است. از این‌رو نه‌تنها صخره‌هایی نیز دارد بلکه مراتع سرسبز نیز دارد (خشک‌جان، ۱۳۹۲).

۲. ۴. رنج وسیله‌ای برای همدردی با دیگران و انسجام اجتماعی

یکی از کلیدی‌ترین کاربردهای تربیتی رنج، تقویت حس نوع‌دوستی و کمک و همیاری با دیگران است. در رنج‌ها و دردهای حاصل از بلاها و مصیبت‌ها است که انسان‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند، همدردی می‌کنند و به صدمه‌دیده و رنج‌کشیده

کمک می‌کنند. نمونه بارز این نوع رفتار در رنج‌های حاصل از پدیده‌های طبیعی مانند سیل، زلزله و طوفان‌ها در کشورها و میان اقوام مختلف نمود پیدا می‌کند. کمک، همیاری و همدردی با دیگران دستور تربیتی و اخلاقی تمام ادیان است. در *دائرةالمعارف جودائیکا*، زمانی که واژه «رنج» (suffering) توضیح داده می‌شود، اهمیت این مسئله در یهودیت نیز تبیین می‌شود:

یهودیت خواستار آن است که انسان‌ها همدردی فعال خود را در مواجهه با رنج دیگران گسترش دهند تا امکان علاج وجود داشته باشد؛ اصل رنج را نه در مرگ و فجایع طبیعی بلکه در بیماری و فقر باید دید. «فقرا قوم خدا هستند» و آنها هستند تا دیگران امکان این را داشته باشند تا فارغ از کمبودهای خود به دیگران کمک کنند (BB 10a). انسان با سهیم‌شدن در رنج جامعه، متنبه می‌شود و در حالی که دیگران رنج می‌برند خودش لذت نمی‌برد (Ta'an.11a). یهود تاریخی تمایل شدیدی به درمان و اصلاح جامعه داشته است که منبع آن در رویکرد کتاب مقدسی و ربایی به رنج دیده می‌شود (Schwarzschild, 2007: 19\ 292, «Suffering»).

انسانی که تجربه رنج را پشت سر گذاشته، در مواجهه با دیگر رنج‌دیده‌ها، نوعی احساس همدردی، شفقت و محبت خواهد داشت و برای کمک‌کردن به دیگران می‌کوشد: گاهی اوقات تجربه کردن رنج، دلسوزی شخص را به رنج دیگران افزایش می‌دهد. کسی که به‌طور غیر منتظره از آپارتمانش بیرون انداخته شده و موقتاً آواره و بی‌سرپناه شده است، بهتر می‌تواند مصیبت آوارگی و بی‌خانمانی دائمی را درک کند و نسبت به آن همدردی نماید ... هنگامی که رنج منجر به بروز عکس‌العمل شفقت‌آمیز دیگران می‌شود، می‌تواند بر پشت‌گرمی شخص به دوستان و نزدیکانش بیفزاید (دگرازا، ۱۳۸۶: ۸۷).

این کارکرد در یهودیتی که بر مبنای اجتماع و قوم شکل گرفته اهمیتی ویژه می‌یابد. از فوت عزیزان گرفته تا حادثه هولوکاست، همه رنج‌هایی پدید می‌آورند که بر اثر آن جامعه یهودی منسجم‌تر و هماهنگ‌تر می‌شود. ربی پون (Rabbi pun) مراسم سوگواری یهودیت را با این دید توصیف کرده است:

یکی از بهترین مثالها در ارتباط با حمایت اجتماعی (و حتی فردی) این جامعه مذهبی از اعضا زمانی است که فردی از جامعه یهود دچار فقدان شده و عزادار از دست دادن کسی می‌شود. پس از مراسم تدفین، وی در خانه سوگواری مقیم می‌شود که برای یهود شرایط وی به دلیل فقدان در نظر گرفته شده است و تمام نیازهای فرد در این مدت به‌خوبی پاسخ داده خواهند شد (خشک‌جان، ۱۳۹۲).

رنج نشان لطف خداوند به جماعت یهودی است؛ چون موجب انسجام اجتماعی و درونی یهودیان می‌شود.

۲. ۵. اعتماد و توکل بر خدا در پرتو رنج

ذات خدا ناشناخته است؛ اما این به آن معنا نیست که او وجود ندارد. همه راه‌های بی‌پایان است؛ اما این به آن معنا نیست که راهی ندارد. تلاش فکری باید با عنصر دیگری به نام اعتماد (trust) همراه باشد. اعتماد یعنی فهم راه‌های خدا، حتی در زمانی که ما فهم این راه‌ها را انکار می‌کنیم. خدا می‌تواند ما را با ظرفیت عقلانی برای درک هر حکم از آیین یهود بیافریند یا می‌تواند تورات را محدود به حکم‌هایی کند که ما قادر به درک آنها هستیم؛ اما او این کارها را نکرد. در عوض، خدا به ما احکام (Chukim) را به همراه عنصر اعتماد در ارتباطمان با خودش داده است. ما آنها را نمی‌فهمیم و آنها را به این دلیل انجام می‌دهیم که به او اعتماد داریم (Kirzner, 2002: 5).

در لحظه غم و اندوه زندگی چه کسی جز خدا می‌تواند امید و رحمت را در دل‌ها افکند؟ و به چه کسی جز او می‌توان اعتماد و توکل کرد؟ اصلاً مگر به غیر از خدا کسی را داریم که بر او دل ببندیم؟ انسانی که گرفتار شده است، در گوشه تنهایی خود راهکاری به نام توکل بر خدا را برمی‌گزیند و چه بسا با این توکل از بند غم و درد آزاد می‌شود. در مزامیر داوود بارها بر توکل کردن بر خدا تأکید شده است: «غم‌های شریر بسیار می‌باشد، اما هر که بر خداوند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد» (مزامیر، ۳۲: ۱۰).

رنج توکل می‌آورد. انسان رنج‌دیده به کجا پناه ببرد؟ از چه کسی کمک بخواهد؟ مؤمن یهودی به خدای واحد معتقد است. بنابراین، وقتی دچار مصیبت و بلا و درد

می‌شود به معبود خویش تکیه، و بر او توکل می‌کند: «اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او می‌ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می‌کشند ... جان ما منتظر خداوند می‌باشد. او اعانت و سپر ما است. زیرا که دل ما در او شادی می‌کند و بر نام مقدس او توکل می‌داریم» (مزامیر، ۳۳: ۱۸-۲۱).

اعتقاد، اعتماد و توکل ابراهیم به خدا برای قربانی کردن اسحاق در همین محدوده قابل تفسیر است. انسان‌ها به سادگی قادر به درک تصمیمات خدا نیستند؛ چون دیدی همچون خدا ندارند. ابراهیم هم نمی‌داند که قربانی کردن اسحاق خوب است؛ دلایل خدا را هم درک نمی‌کند؛ اما ایمان ابراهیم به برتری یک خدای خوب اساساً به او امکان داد که با وجود درک نکردن مسئله، پیشنهاد قربانی کردن اسحاق را بپذیرد. با این ایمان و اعتقاد و اعتماد و پذیرش رنج قربانی کردن فرزند، ابراهیم تعالی یافت، خدا او را برکت داد و عهدی میان خدا و نوادگان ابراهیم شکل گرفت (Fox, 2009: 5).

همان اتفاقی که در هولوکاست یهودی افتاد. هولوکاست، در ذهن یهودیان به عنوان هولناک‌ترین واقعه نقش بسته است. در کنار کسانی که در این واقعه از خدا دوری گزیدند و در وجود او شک و تردید کردند، برخی از یهودیان، راه توکل و اعتماد به خداوند را برگزیدند؛ راهی که از آن زمان تاکنون امتداد یافته است. به اعتقاد این گروه از یهودیان، وقتی چنین فجایعی رخ می‌دهد تنها راه رهایی و آرامش، توکل کردن بر یهوه است. او بردگانش را تنها نمی‌گذارد و آنها را می‌بیند.

۲.۶. رنج و نقش آن در تکامل روحی و اخلاقی انسان

قبل از ورود به این بحث لازم است ابتدا دو رویکرد رایج در میان الاهیدان‌های یهودی درباره شرور را تبیین کنیم. بر اساس رویکرد ابن‌میمون، شر عدمی است؛ مانند تاریکی که عامل فقدان نور است. ربی ری‌هال (Rabbi Rihal/ Rabbi Yehuda Halevi)^۷ این موضوع را با مثالی روزمره و پیش پا افتاده توضیح داده است. وی شر را به سوراخ شیرینی دونات (حلقوی) تشبیه می‌کند و می‌گوید کسی بدون قراردادن یک سوراخ در میان این نوع شیرینی حلقوی نمی‌تواند آن را درست کند. به همین ترتیب، پدید آوردن جهان واقع بدون حقایق ناقص هم غیرممکن است. این نقصان را ابن‌میمون شر نامیده است. خدا پیش از خلقت جهان دو گزینه پیش رو داشت: ۱. آفرینش جهان کامل بدون مردم؛ ۲. آفرینش مردم با علم به اینکه جهان ناقص خواهد بود.

بنا بر این رویکرد و آنچه ابن میمون گفته است، درک ما از حقایق، ناقص است. ما نمی‌توانیم در جهانی کامل زندگی کنیم و تا زمانی که خودمان را کامل نکرده باشیم روادید جهان کامل را نداریم. غم و اندوه و مصیبت‌ها بعضی وقت‌ها می‌آیند تا حق این نقصان‌ها را پرداخت کنند. از این‌رو همان‌طور که سوراخ برای شیرینی دونات لازم است، شرور و رنج‌ها هم برای هستی و به کمال رساندن انسان و رفع نقص‌ها ضروری هستند (Rosenberg, 2008: 48c, part 3).

رویکرد دوم را ربی کوک (Rabbi Kook) بر اساس آموزه‌های کابالیستی (Kabbalistic) مطرح کرده که در آن شر عدمی نیست؛ بلکه حقیقت و تشکیل‌دهنده سفیروت است. سفیروت‌ها همان بلوک‌های ساختمان معنوی است که خدا خودش را در جهان با استفاده از آن آشکار می‌کند. در رویکردی که ربی کوک مطرح کرده خدا شرور را به این دلیل پدید آورده است که ما خودمان علیه آن مقابله، و بر آن غلبه کنیم. با نابودکردن و غلبه‌یافتن بر شر، رشد و توسعه ما آغاز می‌شود. در این دیدگاه، شر جزئی از برنامه الهی در عالم مادی است و حتی شیطان هم پیام‌آور خدا است نه اینکه فقط بخشی از شر در جهان باشد (Ibid.).

بنا بر هر دو دیدگاهی که مطرح شد، یعنی هم رویکرد ابن میمون و هم رویکرد ربی کوک، بلاها، مصیبت‌ها و شرور بخشی اجتناب‌ناپذیر از این عالم هستند که انسان‌ها را در رسیدن به کمال مطلوب و مد نظر در طرحی که خداوند چیده، یاری می‌رسانند. در سختی و رنج انسان به کمال روحی و تعالی اخلاقی نزدیک‌تر خواهد شد و این وضعیت‌های سخت به همین منظور برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است تا زمینه رشد معنوی او را فراهم کند. رنج برای آموزش اصلاحی انسان است. خدا می‌کوشد به وسیله درد و رنج، بشر را هدایت و اصلاح کند و به کمال برساند (Fox, 2009: 6).

به همین دلیل است که ابن میمون تأکید کرده است: «اگر ما مجازات‌های عمومی را صرفاً تصادفی یا پدیده‌هایی طبیعی بدانیم، خیلی به خودمان ستم کرده‌ایم» (Maimonides, 1991: 15a\ 1: 3). بر اساس این تفسیر از رنج انسان‌ها در جهان، رنج یکی از راه‌های خداوند برای تعالی بخشیدن به انسان‌ها است. مصیبت، چه شخصی و چه جمعی، نشانه‌ای از خدا است که همه انسان‌ها یا افرادی را که طبق تورات عمل نمی‌کنند، هدایت کند و با تعلیم دادن بهتر زندگی کردن به مؤمنان، به آنها خدمت می‌کند. ما هم

باید به جای عصبانی شدن از خدا برای مجازات‌ها و رنج‌ها، با بینش بنگریم، به گونه‌ای که علت و رای این رنج‌ها و آثار آنها را بفهمیم (Ibid.).

تعالی یافتن و کمال پیدا کردن از راه رنج، در کلمات بزرگان یهود بسیار دیده می‌شود. ربی آیبو (Rabbi Aibo) با اشاره به آنها که در طوفان نوح با سیل نابود شدند، می‌گوید: «خداوند می‌گوید علت نافرمانی آنها بر ضد من چه بوده است؟ جز آنکه من رنجی بر ایشان وارد نکردم و آنها به واسطه رنج مقابل من خم نشدند. چه چیزی در را بر جای خود محکم نگه می‌دارد؟ لولاهای در. رنج برای ایمان همانند لولا برای در است» (خشک‌جان، ۱۳۹۲).

همین ایمان و حفظ و پافشاری بر آن است که ربی آکیبا (Rabbi Akiba) را در ۱۳۵ سال پیش از میلاد به اوج تعالی و کمال روحی رساند. وی در حالی که در زیر شکنجه رومیان در حال جان دادن بود، کلمات آخر را این‌گونه بر زبان آورد: «من همیشه در طول زندگی خود گفته‌ام که باید با تمامی جان و ذهن و روح، خداوند را دوست داشت. من به خوبی درباره عشق‌ورزیدن با قلب و ذهن آگاهی داشتم، اما درباره عشق‌ورزیدن با روح چیزی نمی‌دانستم. اکنون که به خاطر خدا از زندگی خود دست می‌کشم، تردیدی ندارم که عشق‌ورزیدن با روح را هم درک کرده‌ام» (همان: ۳۶).

رسیدن به کمال اخلاقی نیز از ثمره‌های رنج است. انسان‌هایی که در زندگی درد و رنج بیشتری متحمل شده‌اند، به تکامل اخلاقی افزون‌تری هم رسیده‌اند و خوی و سرشت متکامل‌تری پیدا می‌کنند. نمونه روشن آن انبیا و صالحان هستند که با وجود سختی‌های فراوان زندگی، در اخلاق، تمام‌ترین و کامل‌ترین مردم زمان خود بوده‌اند. البته این قاعده‌ای کلی نیست؛ اما تحمل سختی‌ها و مصیبت‌ها، در شکل‌گیری روحیه معنوی و گرایش مثبت اخلاقی کمک فراوانی می‌کند. هر رنج به انسان رشد و تعالی می‌دهد و او را از خودشیفتگی، خودمحوری، غرور و تکبر و دیگر رذایل اخلاقی باز می‌دارد: «به اشخاص غریب ظلم نکن، چون خود تو در مصر غریب بودی و از حال غریبان آگاهی» (خروج، ۹: ۲۳).

رنج، تکاملی است که زمینه رشد و پیشرفت‌های بعدی انسان را فراهم می‌کند و اخلاقی زیستن را گسترش می‌دهد:

بالترین نیک، نیک اخلاقی است و انسان آن را تنها از راه پرورش خود به دست نمی‌آورد. جهانی که نیکی را آسان ساخت، نیکی راستین را ناشدنی می‌کند. با کار و با رنج و با آزمون (Temptation)، خوی آدمی کامل می‌شود.

برداشت خدا باور و خوش‌بین از جهانی با نارسایی‌ها به دست می‌آید که در آن، خوی در ستیز با آن نارسایی‌ها رسیده می‌شود؛ نه از جهانی که نه بد جسمانی در آن وجود داشته باشد و نه بد اخلاقی (کیل‌پاتریک، ۱۳۹۰: ۴۴).

رنج در این جهان فرصتی برای انسان فراهم می‌کند تا روح و روانش را به طوفان بلا بیازماید و تربیت کند و زیست اخلاقی را گسترش دهد:

به طور کلی، درست است که در جهانی پرگناه، کامل‌شدن روان‌ها از راه رنج‌کشیدن به دست می‌آید. ما باید به دردهایی که می‌کشیم واکنش نشان دهیم و این چنین آنها را برای گسترش پایگاه اخلاقی سودمند کنیم. ما در بند آنیم که در این پیروی از درد تیز و سخت‌کوش باشیم؛ چون فرصت این کاریست چون باد می‌گذرد. ما باید این اندیشه را در دل کنیم که بازنمایی پرشاخ و برگ‌گی در پند «اوگو بسی» (Ugo Bassi) در بیمارستان می‌یابد: «ما که رنج می‌بریم، روان‌هایمان را هم خوب برنجانیم؛ چون این یگانه، یعنی رنج، که لطف خاص این جهان است، باشد که اینجا کامل شود و بماند» (همان: ۴۶).

۲.۷. تصفیه و تزکیه انسان‌ها با رنج

زمانی که الاهیدان‌ها با مشکل رنج مواجه شدند و ایمان مؤمنان را در خطر دیدند، راهکارهای مختلفی را برای حل این مشکل پیشنهاد کردند؛ از جمله آنها این بود که رنج، مجازات گناهکاران در این جهان است. یعنی انسان‌ها به دلیل گناهی که مرتکب شده‌اند و نافرمانی‌هایی که در قبال دستورهای الهی داشته‌اند، با انواع دردها و رنج‌ها در قالب شرور مواجه می‌شوند و اگر انسان‌های بی‌گناه در این عالم درد بکشند و رنج آنها را بیازارد، پاداش تحملشان را در آخرت خواهند دید.

از این راهکار مبتنی بر «پاداش و مجازات» یکی دیگر از کارکردهای تربیتی رنج برای انسان‌ها به دست می‌آید. بلاها، فجایع و مصیبت‌هایی که کم و بیش در این دنیا هر انسانی را می‌آزارد، گناهان را پاک می‌کنند، دل‌ها را صاف می‌کنند و راه تزکیه و تربیت نفس را فراهم می‌کنند. «خداوند سختی‌ها و مصیبت‌ها را برای تهذیب نوع بنی‌بشر قرار داده است که آنها را مثل زر در خلاص امتحان‌ها و تجربه گذارد» (هاکس، ۱۳۴۹: ۱۴۷).

در دایرةالمعارف یهودی *جودائیکا* به این کارکرد این‌گونه تصریح شده است:
 نخستین تبیین سنتی از رنج این است که رنج به منزله مجازات برای
 گناهکاران است: «زمانی که انسانی را دیدید که در حال تنبیه شدن است به او
 اجازه دهید تا راه‌هایش را بیازماید» (Ber 5a; Sanh 27b). در این میان
 عنصر آموزنده وجود دارد تا آنجا که انسان را تشویق می‌کند تا برای اجتناب
 از رنج، از گناه دوری کند ... یک راه برای مبارزه با شکاف اخلاقی در
 این جهان، قائل شدن به آموزه پاداش و مجازات در جهان دیگر است ...
 توضیح دیگر برای وجود رنج، فرآیند تزکیه است. تلمود برخی رنج‌ها را
 «رنج عشق» (Yissurin shel ahavah) خوانده است. رنج، شکلی نهایی از تزکیه
 الوهی با هدایت عرفانی در نظر گرفته شده بود (Schwarzschild, «Suffering»,
 2007: 19\ 292).

به همین دلیل، در یهودیت، به ایده «کفاره از راه رنج» توجه ویژه‌ای شده است.
 یعنی شخصی که دچار گرفتاری در این دنیا می‌شود، باید آن را به حساب کفاره گناهان
 بگذارد و راهی برای پاک شدن خود بداند. پاک‌شدنی که نتیجه نهایی‌اش بر عملکرد
 این‌دنیایی و زندگی آن‌دنیایی شخص اثر می‌گذارد.

علت این تصفیه کردن و پاک‌سازی اعمال و کنارگذاشتن بدی‌ها با رنج این است که
 «اعمال خوب، نوعی ویژگی درونی از کمال و تعالی را به بدن و روح انسان ضمیمه
 می‌کند. از سوی دیگر، اعمال بد نوعی ویژگی بی‌اعتنایی و نقص را در انسان می‌آمیزند
 ... خدا رنج را با هدف توانایی انسان برای دورکردن نقص‌ها می‌دهد تا انسان این امکان
 را پیدا کند که به خلوص و پاکی دست یابد» (Ramchal, 2009: 101).

اما اینکه «این ایده کفاره از راه رنج تا کجا امتداد دارد؟» و «این کفاره چه چیزهایی
 را در این دنیا شامل می‌شود؟» مسئله‌ای است که برخی دایره آن را گسترده‌اند؛ چنان‌که
 ربی الازار گفته است: «حتی اگر شخصی کت و شلواری بخرد و دقیقاً اندازه‌اش نباشد
 ... حتی اگر بخواهد یک فنجان نوشیدنی گرم بخورد اما نوشیدنی سرد یا نوشیدنی
 دیگری بریزد ... حتی اگر کسی به طور تصادفی لباس‌هایش را وارونه بپوشد ... حتی
 اگر در جیب‌هایش سه سکه بیندازد اما دو سکه بیرون بکشد» (Talmud Bavli, Arachin:)

شر وسیله‌ای است که در این دنیا قرار داده شده تا با آن انسان‌ها به خلوص و پاکی برسند و خود را تزکیه کنند؛ یعنی شر نقش تربیتی اساسی در تزکیه انسان‌ها بازی می‌کند. در داستان تلمودی، عزرا و همکارش برای کشتن «یتزرهارا» (Yetzer Hara)، که معادل شر در منابع یهودی است، کوشیدند. به آنها هشدار داده شد که اگر موفق می‌شدند، این جهان غروب می‌کرد. آنها باید به جای کشتن شر، با کورکردن چشم‌هایش آن را مهار کنند (Talmud Bavli, Yoma: 69b). این داستان تلمودی اهمیت وجود شرور و گرایش به آن را در زندگی انسان و در انتخاب مسیر و رسیدن به خلوص و پاکی نشان می‌دهد.

تفسیر میشنا در توستفتا، به صراحت رنج را کفاره سوم برای پاک‌شدن و رهایی انسان دانسته است:

نه توبه و نه روز کیپور (روز کفاره) به‌تنهایی نمی‌توانند کفاره بی‌حرمت‌کردن نام بهشت و گناه‌کردن باشند. علاوه بر توبه و اعمال روز کیپور، کفاره سوم هم لازم است. این کفاره سوم رنج است که انسان را پاک می‌کند. رنج نقش مهمی در کفاره پس‌دادن و رهایی و رستگاری فرد ایفا می‌کند (خشک‌جان، ۱۳۹۲).

۲. ۸. زمینه‌ساز موفقیت‌ها و کشف توانایی‌ها

زمانی که زندگی انسان‌ها را در این دنیا بررسی کنیم درمی‌یابیم که هیچ انسان موفق، بدون سختی و رنج به موفقیت نرسیده است. هر ورزشکاری، برای آنکه در رشته خود سرآمد شود و حرف اول را بزند باید تمرینات سختی را با رنج فراوان پشت سر بگذارد. هر عالم و دانشمندی برای رسیدن به علم و دانش باید تلاش کند و برای تلاش‌کردن، گریزی از تحمل مشکلات و تنگناها ندارد. هیچ ورزشکاری در هیچ رشته‌ای و هیچ عالمی در هیچ علمی و به‌طور کلی هیچ انسانی در هیچ زمینه‌ای بدون پشت سر گذراندن سختی‌ها و چشیدن مزه رنج به موفقیت و کامیابی حقیقی نمی‌رسد. همان‌گونه که در ضرب‌المثل معروف پارسی آمده است: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود» (No Pain No Gain).

در آموزه‌های مدرسی و تعلیمی یهودیان نیز بر این نکته تأکید می‌شود که:

اگرچه ما به‌طور کلی رنج را با دید منفی نگاه می‌کنیم، اما در حقیقت رنج می‌تواند نقش‌های مثبت متعددی ایفا کند. پیشرفتی را که از طریق درد و

کشمکش به دست می‌آید، نمی‌توان با آنچه به راحتی حاصل می‌شود مقایسه کرد ... دشواری‌هایی که به انسان می‌رسند می‌توانند راه‌های جدیدی برای رشد شخصی بگشایند که در غیر این صورت هرگز به دست نمی‌آیند (NLE, 2014: 8).

به همین دلیل است که نباید به شرور و رنج‌ها با دیده منفی نگریست؛ چون وجود آنها در زندگی انسان لازم و ضروری است. الیزر برکویتز (Eliezer Berkovits) گفته است: «گرایش به شر عاملی ضروری برای زندگی، مفهوم یهودی شور حیاتی و میل فردی برای زیستن و زنده ماندن است. گرایش به شر، تأیید وجود شخصی افراد است و انسان را به سوی خودشکوفایی به حرکت درمی‌آورد» (Berkovits, 1959: 187). بنابراین، شرور و رنج‌ها و دردهای حاصل از آنها، عامل کشف استعدادها و شکوفایی قوای فردی انسان‌ها و رسیدن به هدایای الهی است. چنانچه ایوب پس از تحمل رنج‌های فراوان و طاقت‌فرسا در نهایت به کامیابی‌های دنیوی و اخروی رسید و بر طبق سفر ایوب از کتاب مقدس عبری، همه آنچه را از دست داده بود بازیافت؛ از سلامتی جسمی و روحی گرفته تا فرزندان از دست رفته‌اش.

به اعتقاد یهودیان، خدای یکتا سه هدیه ارزشمند به آنها داده است؛ تورات، سرزمین اسرائیل و جهان آخرت، که هر یک از آنها فقط با رنج به دست می‌آیند (Maimonides, 1991a: 5a). این سه هدیه الهی، جوهر ایمان یهودی را شکل می‌دهند. آنها در جهت اخلاق و احساس معنای روحانی به یهودیان اعطا شده‌اند (Fox, 2009: 1). به همین دلیل، هدایای الهی، گنج‌هایی برای یهودیان هستند و رسیدن به آنها فقط مستلزم تحمل سختی‌ها و مصیبت‌ها است.

۲. ۹. گرایش به موعود و آخرت در رنج

یکی از کارکردهای مهم تربیتی که با رنج برای انسان به دست می‌آید، این است که نگاه انسان را بیش از پیش به سوی منجی این دنیایی و جهانی ماورایی سوق می‌دهد؛ موضوعی که در ادیان توحیدی هم به صورت خاص محل توجه قرار گرفته است. یکی از اصول ثابت این ادیان وعده نجات انسان در همین دنیا از طریق موعود، منجی و منتظر، و نیز پاداش نیکوکاران و عقاب ستمکاران در جهان آخرت است. به همین دلیل

است که گفته می‌شود: «این دنیا مکانی است برای اعمال نیک، درون‌نگری و جهان دیگر، مکانی است برای دروکردن پاداش» (Wolbe, 1974: II\4:17).

رنج به پویایی و تکامل این دید آخرت‌بین کمک می‌کند. انسان رنجور، که گریزی از رنج و درد ندارد، توجه بیشتری به این اصل ثابت ادیان خواهد داشت که جهان را فقط منحصر در این دنیا نبیند. دنیای دیگری هم هست که رنج‌ها و دردها در آن جبران می‌شود. «نهایتاً ذات هر یهودی روح است که از سزای اعمالش در این جهان در جهان دیگر بهره‌مند خواهد شد. شخص صالح ممکن است در این دنیا رنج ببیند اما پاداشش در جهان دیگر در انتظار او است» (NLE, 2014: 13).

یهودیت، به همه یهودیان، به‌خصوص یهودیان رنج‌کشیده، یادآور می‌شود که این دنیا و بلاها و سختی‌هایش زودگذر است و نباید به جهان مادی به چشم دنیایی ابدی بنگرند؛ چنان‌که آمده است: «ربی یاکو (Rabbi Yaakov) گفت: این جهان نسبت به جهان دیگر مانند راهرو است. خودتان را آماده کنید تا از این راهرو وارد کاخ شوید» (Wolbe, 1974: II\4:16)؛ و به صالحان و درستکارانی که دچار رنج می‌شوند، وعده بهره‌مندی از دنیای دیگر و جبران رنج‌ها در آن داده شده است: «این نیکی که نیکوکاران انتظارش را می‌کشند، جهان آخرت است. آن زندگی است که مرگ ندارد و در نیکی آن عنصر بدی وجود ندارد. این معنای آیه است: «تا برای تو نیکو شود و عمر دراز کنی» (تثنیه، ۲۲: ۷). ما از سنت یاد می‌گیریم که «این برای تو نیکو خواهد بود» در جهانی که همه خوبی است و «عمر دراز کنی» در جهانی که پایانی ندارد. این جهان آخرت است. پاداش صالحان این است که استحقاق این حالت خوشایند و بخشی از این نیکی را دارند و مجازات ستمکاران این است که شایستگی این زندگی را نخواهند داشت و نابود خواهند شد و می‌میرند (Maimonides, 1987: 4\1-2).

در کتاب دوم باروک، ضمن آنکه بیان می‌شود به دلیل آمدن تورات دیگر کسی نمی‌تواند برای گناهایش عذری داشته باشد، به افراد نیکوکار و صالحی که به دلیل گناه دیگران دچار عذاب الهی می‌شوند وعده داده می‌شود که ترسی به دل خود راه ندهند. چون مطابق با سختی‌هایی که در این دنیا متحمل می‌شوند، برایشان تاج بزرگی و شکوه خواهد بود (Baruch 2, 15: 18)؛ و در نهایت درباره رنج حاصل از تخریب اورشلیم هم گفته می‌شود: «اورشلیم برای تسریع دیدار نهایی با خداوند ویران شد» (Baruch 2, 20: 2). توجه دادن به جهان دیگر و گذری بودن این دنیا در آموزه‌های یهودیت به چشم می‌خورد

که در نتیجه آن، مؤمن یهودی که دچار رنج می‌شود یا رنج دیگران را می‌بیند با نگاه آخرت‌بین خویش به دنیا و رنج‌هایش می‌نگرد و با این دید رفتارش را شکل می‌دهد. با نگاهی به تاریخ، این نکته به روشنی آشکار می‌شود که با درد و رنج تاریخی که بر یهود وارد می‌شد، ایده‌گرایی و انتظار برای شخص نجات‌دهنده پررنگ‌تر شده است. برخی مورخان گفته‌اند از روزی که رومیان، قدم به خاک یهودیه نهادند تا زمانی که شهر اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی ویران ساختند، انتظار ظهور مسیحا روز به روز نزد قوم یهود افزایش می‌یافت و آن ملت مغلوب و شکسته، به امید پیدایش نجات‌دهنده‌ای از غیب انواع شداید و مظالم قوم غالب را تحمل می‌کردند و اعتقاد جازم داشتند که خداوند قوم برگزیده خود را چنین خوار و زار نخواهد گذاشت (بایرناس، ۱۳۸۶: ۵۵۱).

موعودگرایی با رنج و درد عجین شده بود. هر گاه رنج بیشتر می‌شد این تفکر نیز گسترش می‌یافت. شدت آن را می‌توان در تاریخ پردرد یهود در حوادثی مثل تخریب معبد، اسارت بابلی، ویرانی اورشلیم به دست رومیان، جنگ‌های صلیبی و هولوکاست دید. چکیده این دیدگاه آن بود و هست که در آخرالزمان حق تعالی جهان را دیگرگون خواهد فرمود و صلحا و ابرار از ظلمه و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید. شدت و ضعف این دیدگاه بر نوع رفتار و عملکرد یهودیان تأثیر داشت؛ چنان‌که بیشتر یهودیان با این افکار امیدبخش روزگار را به سر برده، انواع رنج‌ها و شداید را تحمل کرده، در انتظار تحقق این مواعید نشسته بودند (همان: ۵۵۲).

وعده رهایی، زمان ندارد بلکه همان‌طور که خداوند بنی‌اسرائیل را از مصر نجات داد، هر لحظه اتفاق می‌افتد. دو دیدگاه برای رهایی یهودیت وجود دارد که در هر دو، رنج وسیله‌ای برای نجات و رهایی یهودیان است: در دیدگاه اول به واسطه رنج، توبه حاصل می‌شود و با توبه، یهودیان رها خواهند شد. ربی الیزر هیکرانوس (Rabbi Eliezer Hycranus) گفته است: «اگر مردم اسرائیل توبه کنند، رها خواهند شد. در غیر این صورت به رهایی دست نخواهند یافت». در این دیدگاه، رهایی نیاز به موعود و مسیحا ندارد؛ بلکه به محض توبه و اصلاح، رهایی صورت می‌گیرد. دیدگاه دوم، موعودمحور است؛ یعنی یهودیان باید توبه کرده، خویش را اصلاح کنند تا مسیحا بیاید و همه را نجات دهد. ربی جشوا (Rbbi Jishua) و ربی آکیبا (Rabbi Akiba) این دیدگاه را ترویج می‌کردند (Bowker, 1975: 13).

وعده ظهور ماشیح که به صورت پیش‌گویی بارها در اسفار کتاب مقدس عبری، همچون عاموس، حزقیال، میکاه و اشعیا تکرار شده است بر اخلاق، رفتار و زندگی انسان رنج‌دیده اثر دارد. انسان رنجور، رنج خود را در جهت تحقق آرمان ظهور منجی می‌بیند و برای رسیدن لحظه موعود صبر می‌کند و شداید را به جان می‌خرد. آیات ۴ تا ۹ سفر اشعیا آن لحظه را به تصویر می‌کشد:

مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت و کمر بند کمرش، عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت است و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید.

این وعده و امید به اندازه‌ای پررنگ است که ابن‌میمون گفته است: «من به شدت به آمدن ماشیح ایمان دارم؛ اما کی و چه وقت؟ نمی‌دانم».

نتیجه

نوع نگاه به رنجی که زندگی بشر را در بر گرفته است در مسیری که همه انسان‌ها باید بپیمایند اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. نگاهی مثبت‌انگارانه یا منفی‌انگارانه به موضوعی به نام شر یا رنج بر دید انسانی و نحوه زندگانی تأثیرگذار است. اگر رنج‌ها، سیاه و تاریک و زشت باشند دیگر امید و غایت برای ادامه حیات بی‌معنا می‌شود و نقش مثبت خالق در عالم هستی محل تردید قرار می‌گیرد. ادیان الاهی، همچون یهودیت، کوشیده‌اند انسان‌ها و به‌خصوص مؤمنان و پیروان خود را به این سو سوق دهند که این همه درد و رنج بی‌ثمر و عبث نیست؛ و آنها را متوجه این واقعیت کنند که نباید از جنبه مثبت درد و رنج غافل شد. یکی از این جنبه‌های مهم آن است که رنج فواید تربیتی و اخلاقی دارد. با کنکاش در الاهیات یهودی و منابع این دین الاهی به برخی از کارکردهای تربیتی و اخلاقی رنج اشاره کردیم.

انسان می‌تواند از رنج‌ها در زندگی‌اش بهره‌گیرد و به زندگی‌اش رنگ و بوی دینی و خدایی بدهد؛ به پروردگارش نزدیک شود؛ او را بخواند و با گریه و ناله و ندبه صدایش کند؛ با تعمق درونی، خود را دریابد؛ شخصیت خویش را سر و سامان دهد؛ به

تکامل اخلاقی دست یابد؛ با دیگران همدردی کند؛ در تصفیه و ترکیه خود بکوشد؛ با تکیه و توکل بر خدا توانایی‌ها و استعدادهایش را بشناسد؛ و از رهگذر رنج‌ها به آخرت‌بینی و موعودباوری برسد.

پس بنا بر آموزه‌های یهودیت، رنج، مقدس است نه بی‌ثمر. انسان مؤمن با نگاه درست به دردها و مصائب رایج در زندگی دنیوی، مسیر زندگی‌اش را سامان می‌دهد و به سوی رشد اخلاقی و تربیتی گام برمی‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این کتاب، که متنی فلسفی دارد، در دهه ۱۷۳۰ نوشته شده، و بدون استفاده از اصطلاحات قبلائی، دیدگاه‌های قبلائی را مطرح کرده، زمینه درک جهان‌بینی و ایدئولوژی کتاب زوهر و نوشته‌های اسحاق لوریا و دیگر قبلاها را فراهم می‌کند. نام دیگر این کتاب چنین است: *Derech Hashem*.
۲. ابا ابن یوسف بارهما (۳۵۰-۲۸۰ قبل از میلاد) در تلمود Rava نامیده شده است. وی معلم یهودی کلاسیک (amora) در بابل بود و از خاخام‌های نسل چهارم محسوب می‌شود. به نام وی در تلمود بارها استناد شده است. بحث‌های او و هم‌بحثش «ابایا» نمونه‌هایی کلاسیک از منطق دیالکتیکی تلمود در نظر گرفته شده‌اند.
۳. وی یهودی تلمودی بود که در بابل می‌زیست و به عنوان آمورا (amora)ی نسل سوم شناخته می‌شود. آمورا، دانشمندان یهودی بودند که در فاصله سال‌های ۲۰۰ تا ۴۰۰ پیش از میلاد در بابل و اسرائیل، تورات شفاهی آموزش می‌دادند. وی و راوهانا را «حسیدیم بابل» نامیده‌اند.
۴. راوهانا (۲۱۶-۲۹۷ م.) یهودی تلمودی و از آموزای نسل دوم بود. وی رئیس آکادمی «سورا» و شاگرد اصلی راوچیسدا بود.
۵. *Mishnah Pirkei Avot*: رساله Pirkei Avot در انگلیسی به *Chapters Of The Fathers* ترجمه شده که به دلیل محتوای اخلاقی‌اش «اخلاق پدران» هم نامیده شده است. این رساله تلفیقی از تعالیم اخلاقی و اصول ربی‌های دوره میشنایی است. آموزه‌های آن در رساله میشنایی Avot، که رساله دوم به بعد تلمود است، آشکار شده است.
۶. یهودیت به طور کلی فرمان‌ها (mitzvoth) را به دو دسته تقسیم می‌کند: قوانین منطقی (mishpatim) مثل ممنوعیت قتل، که عقل هم لزوم آنها را تأیید می‌کند. احکام (Chukim) که غیرعقلانی هستند و فقط فرمان خدا است که آنها را الزام‌آور می‌کند؛ مانند چگونگی غذاخوردن یا قوانین پاکی خانواده.
۷. فیلسوف و شاعر یهودی اسپانیایی در قرون وسطا.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: انتشارات تابان.
- نهج‌البلاغه (۱۳۷۹). گردآوری: شریف رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین.

- کتاب مقدس (۲۰۰۹). ترجمه قدیم، انتشارات ایلام.
- بایرناس، جان (۱۳۸۶). *تاریخ جامع ادیان بزرگ*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفدهم.
- بردشا، لی (۱۳۸۰). *فلسفه سیاسی هانا آرنه*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- کیل پاتریک، تی. بی. (۱۳۹۰). «رنج: ترجمه مدخل رنج از دائرةالمعارف دین و اخلاق»، ترجمه: محمد پهلوان، در: *کتاب ماه دین*، ش ۱۶۵، ص ۳۷-۵۱.
- خشک‌جان، زهرا (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای مفهوم رنج و تأثیرات آن بر عملکرد سیاسی و اجتماعی شیعه و یهود، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استاد راهنما: داوود فیرحی.
- دقیقیان، شیرین‌دخت، (۱۳۸۹). «رستگاری شر در فلسفه»، در: *ایران امروز*، <http://www.iran-emrooz.net/index.php/think/more/21525>
- دگرازیان، دیوید (۱۳۸۶). «در باب رنج»، ترجمه: مسعود فریامنش، در: *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۲، ص ۸۶-۸۷.
- هاکس، جیمز (۱۳۴۹). *قاموس کتاب مقدس*، تهران: طهوری، چاپ دوم.
- Apple, Rabbi Raymond (1982). "Evil in Man: The Jewish Point Of View", Fourth Australasian Pacific Forensic Sciences Congress, Sydney, *Australian Journal Of Forensic Sciences*, Vol. 15, 1983, PP. 125-132.
- Berkovits, Eliezer (1959). "When Man Fails God" in: Abraham Millgram (ed.) *Great Jewish Ideas*.
- Bowker, John (1975). *Problems of Suffering in Religions of the World*, Edition reprint, revised, Cambridge University Press.
- Fox, Howie (2009). "If God is good, suffering why does suffering exit?" *Journal for the Renewal of Religion and Theology*, Vol. 3.
- Kirzner, Rabbi Yitzchok (2002). *Making Sense of Suffering: A Jewish Approach*, Artscroll, Edited by Yonason Rosenblum, Publisher: Mesorah Pubns Ltd.
- Maimonides (Rabbi Moshe Ben Maimon, Rambam) (1987). *Mishneh Torah 4 (Hilchot Teshuvah)*, Edited by Rabbi Eliyahu Touger, Moznaim.
- Maimonides (Rabbi Moshe Ben Maimon, Rambam) (1991a). *Mishneh Torah 15 (Hilchot Taanit)*, Edited by Rabbi Eliyahu Touger, Moznaim.
- Maimonides (Rabbi Moshe Ben Maimon, Rambam) (1991b). *Mishneh Torah 8 (Hilchot Brachot)*, Edited by Rabbi Eliyahu Touger, Moznaim.
- Ramchal (Robbi Moshe Chaim Luzzatto) (2009). *The Way of God*, translation by Aryeh Kaplan, Feldheim.
- Rosenberg, Shalom (2008). "In The Footsteps Of The Kuzari: An Introduction to Jewish Philosophy" ed. by Joel Linsider from a translation of Gila Weinberg, 2 Volumes, Israel Koschitzky Virtual Beit Midvash (VBM) Part 3.

Schwarzschild, Steven. S. (2007). "Suffering" in: *Encyclopaedia Judaica*, second edition, Fred Skolnik (Editor in Chief), vol. 19.

Talmud Bavli (Babai lonian Talmud) (2012). Koren Publisher (and Rashi and Tesefot).

The Global Resource for Jewish Educators and Outreach Professionals (NLE) (20/5/2014).

"Toward understanding suffering and Adversity", <http://nleresources.com/wp-content/uploads/2012/08/suffering.pdf>

Wolbe, Rabbi Shlomo (1974). *Mishnah Pirkei Avot (Ethics of the Fathers) Alei Shor*, Vol. II.